

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

تفصیلی
نامه

کوشش

بهیچ حزب
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

سال اول - شماره ۲۴

شنبه ۱۵ مرداد ماه ۱۳۲۴

تک شماره ۴ ریال

یک پرده از یک تاتر

تاتر غوثینی که در مانعہ کردستان بر اثر تدابیر میهن پرستان (۱) عناصری صاحب-جو (۱) بر پا شده هر روز بشکلی برای - تناسیب این کارزار شکن تفسیر می شود. بدون اینکه دخل و خرج سادی یا منوی این نمایش در نظر گرفته شود هر چند روز یکبار متصدیان مسئول شاهکار های بازیگران آنرا در قالبی غیر واقعی جلوه میدهند.

روزی اعلامیه ستاد ارتش است که لوید میهنه اشرا (۱) تلفات سنگین داده ولی نشان بجای نمانده، روز دیگر - اعلامیه نیم رسمی همان منابع است که در لباس «نگار» خبر نگار روزنامه اطلاعات سرلوحه یکی از مهمترین جرایم پایتخت قرار میگردد کسی هم نیبرسد این نشیانات برای چیست.

روزنامه اطلاعات دوسوم مقاله شماره ۵۸۲ خود زیر عنوان «تفصیل وقایع کردستان» باحرف و ریز مینویسد:

اطلاعات زیر را رئیس رکن دوم ستاد ارتش بخیر نگار این الم اداره داده است...

پس از آن بیان مطالبی میردازد که اگر انگویم تمام میتوانیم بگوئیم قسمت اعظم آن مورد تردید یا تکذیب است. با درج عبارات فوق روزنامه خبری اطلاعات از خود سلب مسئولیت میکند لذا تا بساز باید مخاطب باریس رکن ۲ ستاد ارتش باشد.

آقای رئیس رکن ۲ ستاد ارتش ما خیال نداریم علاوه بر آنچه تا بحال نوشته ایم فلا چیزی بنگاریم زیرا انتظار می کشیدیم آقای سر لشکر جهانبانی که به کردستان مامور شده اند نتیجه بازرسی- های خود را گزارش دهند. ولی گویا شما بسیار علاقه مند که و منابع کردستان خیلی بیشتر صدا کت و از ایترو پروا نداشته اید که مطالب دور از حقیقت و انسانی را به خبرنگار روزنامه اطلاعات داده تا دوسر مقاله خود با آب و تاب با اطلاع هوطنان

برساند.

راجع بکلیه نکاتی که در اخبار منتشر شده گنجانیده شده فعلا بحثی نمیکنیم و از شاهم توضیحاتی بخواهیم که برای دادن جواب دچار زحمت شوید ولی در عین خود - داری ناچاریم قسمتی از مقاله نامبرده را عینا نقل نموده و نظر نا بکاروانه ای که در تهیه آن بکار برده شده همان سازیم تا خوانندگان پدیدگر مطالب درج شده در این موضوع بمصدق «مشت نونه خروار است» می برند اینک آتست:

«چون وظیفه ستاد ارتش در مورد کردستان خلع سلاح عمومی بود و نقاطی که دارای اهمیت بودند در این مورد مقدم میشد این بود که اقدام مجدانه ای بعمل آمد و با آنها (اشاره بطایفه رزاییهاست) کوشش گردید که اسلحه خود را پس بدهند ولی برعکس آنها شروع بشیفتان کردند و خواستند مامورین ارتش را هم کرده و با اغفال آنها نامردم خود را از پیش ببرد

و حتی مقالاتی هم در یکی از - روزنامه های منتسب باین گروه که در تهران منتشر میشود نوشته شد و از آنها حمایت و طرفداری گردید و همین مقالات هم بوسایل مقتضی با آنها رسانیده شده پخش گردید و آنها را بیشتر جری - ساخت حتی در مجلس هم به فرمانده لشکر کردستان توهین شد تا او دیگر نتواند اقدامی -

برای رفع اختلاف بعمل آورد» آقای رئیس رکن ۲ ستاد ارتش شما اظهار فرموده اید روزنامه ای در - مرکز منتشر میشود که منتسب باین گروه است و اگر فارسی بداید عبارت این گروه رزاییها را میرساند و چون رزاییها را اشرار معرفی فرموده اید خواست اید در نهایت احتیاط آن روزنامه را طرفدار اشرار و بان آشوب و انقلاب جلوه دهید

و خیال کرده اید بعرف اظهاری بند و بار سرکار همه مردم فرمایش آن عالیجناب را قبول و آن روزنامه هم از ترس آن رستم سولت فلتش واقطع خواهد کرد.

آیا شما میتوانید این ادعای خود را ثابت فرمائید؟ آیا شما روزنامه ای در تهران میشناسید که منتسب برزاییها باشد؟ آیا منی و مفهوم کسه منتسب رامیدانید؟ یا خیال کرده اید روزنامه ای اگر راجع بشخص یا موضوعی که یا چند مقاله نوشت آنرا منتسب بآن شخص یا منتسب بآن موضوع مینامند؟ مثلا اگر روزنامه ای درباره ذغال و دیگری درباره کاشک یا پشم مقالاتی نوشت لابد فوراً قدری فکر کرده باذکوت سرشار خود شواهد فرمود: ها ها، آن روزنامه منتسب بدغال و این یکی منتسب بکاشک و پشم میباشد.

اگر صفحات روزنامه های هفته های گذشته تهران را - ملاحظه فرموده باشید از این عمل جاهلانه فرمانده لشکر شما در کردستان بسیاری از جرایم آزادخواه پایتخت اظهار نفرت کرده اند. لابد شما هم آنها را منتسب برزایی ها میدانید یا اگر قدری بکله بر مژغ خود زحمت دهید و حافظه نازنین را بکار بیاندازید خواهید فرمود: نه، اینها چون یکی دومقاله بیشتر نوشتند مشابه برزاییها هستند. قطعاً آن روزنامه سعی که هر هفته با حقیقت گوئی های خود مارا دچار و بیخ کرده منتسب باین گروه است

آقای رئیس رکن ۲ ستاد ارتش اگر شما بحساب خود شیرین کاری کرده خواهید اشاره فرمائید هنوز دستگاه هربس و طویل شما قادر است برای مردم پاپوش دوست کند و بدون ذکر نام روزنامه ای که پیش از دیگران اعمال شکنج حال شما را در غرب فاش میکنند خواست اید آنرا یک توپ از میدان در کتید اشتباه فرموده اید.

شما و روسای شما شاید خیلی ناراحت باشند از اینکه اعمال غلطی را که در مناطق کرد نشین مامورین شما انجام میدهند در - پایتخت فاش میشود. شاید شما خیلی مایل باشید همان بازار خود معناری و ظلم و جور و طعانی در مناطق کرد نشین حکم فرما باشد. شاید شما خیلی دلتان بخواهد هر غلطی را که مامورین شما در این نواحی میکنند کسی مقاومت نکند. ولی شما باید بدانید که ایندولکت قبول شما و رفتاریان نیست این مملکت را مملکت ایران میگویند اعمال ایرانی است و شاق فقط باندازه بکنفر ایران باید از آن استفاده کنید پشما اجازه داده نشود بدلتخواه خود بجان و حال مردم بتازید. به شما اجازه داده نشود برای تحکیم مقام تازه خود حیثیت مردم را بازیچه قرار دهید.

مرد آن زمانی که شما هر بیجانی میگفتید مردم میسایست کور کورا اطاعت کنند. مردم دیگر زیر بار خنده فرمایش شما نیروی بیش از این مع خود را باز نکنید. مردم دیگر از تهدیدات شما بیرونده سازی باکی ندارند

کمارش غیرنکار اداره

نقل از اطلاعات

تفصیل وقایع کردستان

پادگان کردستان از تهران کرمانشاه تنویر شده است

هیچیک از افسران در غائله اخیر کشته نشده اند

آخرین اقدام ستاد ارتش برای رفع غائله

اطلاعات زیر را رئیس رکن دوم ستاد ارتش به خبرنگار این اداره داده است :

در کردستان بر خلاف سایر نقاط ایران تیره های مختلفی وجود دارد که هر کدام تاج سر دستار رئیس ده و از آنها تبعیت میکنند گاهی بین ن طوایف و تیره های مختلف اختلاف تاده و بر علیه هم دیگر شورش و آشوب پا میکنند سرخلاف در نقاط دیگر مثلا با خاک قتلانی اگر تیره ها متضاد هم شوند رئیس مینوی دارند که همه اختلافات تراوا رفع کرده و با گذشتن منشی خود بیکتارد نظیر وقایع کردستان رخ بعد ملت و مدبر بگردن بوقایع غائله کردستان بن است که این قسمت از ایران مجاور یک عراق میباشد بسیاری از عشایر و اشرار و خاک ایران شرارت میکنند امور و با دهات را بشازت میرند مرتکب قتل لئوس میگردند و بعد بخاک عراق پناهده می شوند و سالیانکه با دولت عراق طی طریقی که تصویب شده و در مورد عمل قرار گرفته علا قرار داد استرداد میرین داریم با اینحال دولت عراق گاهی همین فشار و اشرار مسلح مجرم را بک خود پناه داده و بعد اینکه آنها مجرم سیاسی هستند از استرداد آنها بدولت ایران خود داری میکنند و چه با اوقات که همین

اشرار مسلح که بخاک عراق پناهده اند دوباره با اسلحه بایران عودت کرده و مرتکب شرارت های مسعانه می شوند ولی دولت ایران تا اکنون این عمل نشاءه را ندیده و دولت عراق را باین بار هم ندیده است که بگوید اشرار مسلح عراقی را ما پناه داده و دوباره با اسلحه بخاک عراق خودشان د دید تا بشرارت های مسعانه خود ادامه دهند .

اما اینکه اسلحه ای که بدست عشایر کردستان افتاده از چه راه و بجه وسیله با آنها رسیده باید که متلازمه ادعای مختلف و متضاد مختلف این اسلحه بین آنها پخش گردیده است در وقایع سوم شهریور منقاری اسلحه بدست آنها رسیده و اقدامات لازم ای بعمل آمده که این اسلحه از دست آنها خارج گردد .

مهمترین اقدامی که دولت از سوم شهریور با تصرف عمل آورد در رابطه هم پوشیده بود اشیرا هم طایفه ای که اسلحه داشت و نسبت به سایرین شرارت میکردند طایفه رزاییها بود که با انکاء بکومهاییکه نام مرتفع آن را در دست داشتند و اینکه پشت سر آنها مرز عراق واقع شده و در موانع نا جاری می باشد به آنجا پناهده

نزد کر

گاهی نامه هائی بدقت روزنامه میرسد که يك عدد تمبر يك ربالی (وزارت - دارائی) با آنها الصاق شده چون نامه کوهستان موس دولتی نیست و به نشریات هم چندان معتقد نیست لذا از مراجعه کنندگان تا خامی شود از الصاق تمبر که عمل زایدی است خود داری - فرمایند و در عوض مطالبی را که مرقوم میدارند همین حایت با تمبر که بتوان از آن نتیجه اساسی گرفت .

توجه فرمائید

چون در نظر داریم ضرب التل های کردی را جمع آوری نموده جدا چاپ کرده انتشار دهیم از علاقمندان خواهنا میشود ضرب التل های را که بخواهر دارند با خط خوانا نوشته در صورت امکان با ترجمه فارسی آن ارسال فرمایند .

تاموقتی که جمع آوری ضرب التل ها کامل شود هر هفته در ستون مخصوص روزنامه چند ضرب التل چاپ شده و یا آنکه در شماره مخصوص نامه کوهستان درج خواهد گردید .

شده و از تقییب مضمون مانده مزاحمت سایر طوایف و اقوام می آوردند .

چندین ماه فرماده لشکر کردستان بوسائل و اجزاء مختلف با آنها در مذاکره بود که بلکه بتوان با سازش و توافق نظر اسلحه خود را پس بدهد و حتی مکرر در مکرر اعلامیه های کتبی و موات هائی برای آنها فرستاده و قفس گردیدند و این تکرار را هم باید گفت که در ضمن این عملیات طوائف مجاور آن ها خلع سلاح شده و فقط عده کمی از آنها برای حفظ انتظام منطقه خود پناهمامورین انتظامی اسلحه داشتند و دیگر کسی اسلحه نداشت

پس حال چون وظیفه ارتش در مورد کردستان خلع سلاح عمومی بود و مدعی که دارای اهمیت بودند و در این مورد مقدم میشد ان بود که اقدام مجده ای عمل آمده و آنها گور شد گردید که اسلحه خود را پس بدهند ولی بر عکس آنها شروع به نشنات کرده و نواستند مامورین ارتش را هو کرده و با اغفال آنها مقاصد سوء خود را از پیش ببرند و حتی مقالاتی هم در یکی از روزنامه های منتسب باین گروه که در تهران منتشر می شود نوشته شد و از آنها حمایت و طر فداری گردید و همین مالات هم بوسائل منقض با آنها رسانده شده بخش گردید و آنها را بیشتر جری ساخت حتی در مجلس هم بفرماده لشکر کردستان توهین شد تا او دیگر نتواند اقدامی برای رفع اختلاف بعمل آورد

تسین آخرین اغظار و آخرین مهلت برای رفع این غائله يك ستون نیروی نظامی استنجد حرکت و ب منطقه آنها وارد شد اشرار رزایی در مقابل ستون مقاومت بخرج بقیه در صفحه ۷

وقایع آزارات

-۱۰-

روناهی تادریارشانند (روشنائی خود را تا دریا افکنند)

ناوملتا آزادی چنان (میان ملت تمام آزادی کاشت)

هلبه آگری - هلبه آگری

•••

ژه ساو توترک و یگری (از ایبت تو ترک گریه میکنند)

ته دید چاوارومی روی (تو دیدی چطور ترک فراد کرد)

هلبه آگری ، هلبه آگری

چنگ کانی کورک و مخصوصا چنگ طیاره بغویی از پستهای نظامی سرحد ایران، سروکانی و آی به ی با دورین دیده میشد .

نایند ارنی های مهاجر نیز که در هنگام جریان چنگ در آزارات حضور داشتند ناظر این رشادت های اکراد بود .

بنا بر این میتوان گفت ان نایب دلارانه اکراد در پیشگاه هیئت منصفه بیطرفی انجام گرفته است و شرحی را که از نظر خوانندگان گذشت غیر قابل تردید میباشد .

فرمانده کرد بیانه ای صادر کرده اکتار صومی را بقضات طلبید دو این بیانه چنین نوشته بود :

کردها اسرای نظامی را که بقصد جانشان آمده بودند پس از خلع سلاح با کمال احترام مرخص میشایند ترکیها بالذکی نه تنها مراد ها بلکه زائر و کودکان میلیون را که بدست شان میانند یا بجمع ترین طرزی نابود میکنند در حالیکه خود را از متدن ترین دول قده و کردها را باغی و وحشی مینامند . آیا از این دو سکدام يك منصف به صفات عالیه بشری و تمدن می باشد ؟

فصالت آرا . اتیها در حوالی با بزمه جدا آغاز شد . زمستان سر رسیده زمین ملانه سفیدش را بر روی خود کشیده جنب و جوش هارا محدود نمود . آزارتیا دوازده دستگاه تلن بدست آورده بودند ولی چون سیم نداشتند بلا استفاده مانده و بدست عده ای سوار منتخب مامور شدند که خود را بایستگاه پایزید که اردو گاه نظامیان ترک بود رسانیده مقدار کانی سیم بیاروند این ماموریت با موفقیت انجام گرفت روزهای بعد ارتباط تلن میان آزاراتیها بر تراوشد .

تشکیلات نظامی آزارات برقرار شده بود . اولیوم مخصوصی برای افراد انسران کرد انتخاب پذیرفته شده بود . امر دروی کلامشان شکل داد آگری که از رنج ساخته شده بودند بکرتند . انسران بجای آگری علامت خوی بون روی کلاه دوخته و علامتی که ممیز درجه هایشان بود روی شاه داشتند .

علامت خوی بون عبارت بود از یک کبوتر سفیدی در وسط يك خوش گندم در یک طرف و يك قلم در طرف دیگر بطوریکه دسته های هر سه در پائین

بیانه آقای شیخ محمد مردوخ کردستانی

خطاب بهیئت دولت و کلاهی ملت

بِظَم حَضَرَتِ آقَايِ آيْتِ اللّٰهِ كَرْدِسْتَانِي

وتذکر دادم که مابوس کردن گروه کرد از دولت ایران باموقبت امروزه تناسی ندارد.

لازم است از مامورین خود سرخود خواه خیانتکار جلوگیری فرمایند.

مانند این جناب سرکرده منافع شخصی هستند تا دچار خطر نشوند پیش بینی و غیر خواهی در وجود ایشان تئوری ندارد و آنها را تکان نیده اند اینک نتیجه تذکرات ما آشکار شود خودسری و خود خواهی مامورین خیانتکار مولود خود را پدامن دولت و کلاهی ملت گذاشت که در صفحه کردستان شوربیزی و برادر کشی شروع شده است و برادر خیانتکار برادر خدمتگزار را اشرار معرفی میکند و کشته اکراد را دلتافت و کشته اولاد را شهید قتلداد مینماید

در صورتیکه هر دو دست مسلمان و ایرانی و هر دو تابع یک خدا و یک پیغمبر و یک ملة و یک کتاب هستند تا و تئوریکه با هم دارند اینست که اکراد طالب امنیت و آسایش و رعایت اصول مشروطیت و قانون دموکراسی میباشدند.

اما مامورین برای ترفیع و تزلزل مقام طرفدار اختلاف و انقلاب گرا آلود کردن آب اند و برای یکدستمال منفع شخصی صد قیصری را آتش میزنند.

معهود خان کالی سنانی و حسن خان وزایی در سنگ مرمری که در مسجد جامع دارالاحسان بامر دولت نصب شده جزو فدائکاران و خدمتگزاران دولت معرفی شده اند و هر روز جمعه که اهل شهر برای اقامه نماز جمعه بسجده نامبرده میروند و آن سنگ مزبور را میخوانند.

چه شد که این دو فدائکار خدمتگزار بکرتبه بدل با اشرار شده اند ؟

از دولت و وزارت جنگ و ستاد ارتش سؤال میکنم توضیح منفرام که پس از نصب آن سنگ در برابر چشم جامعه چه تفسیری چه خیانتی چه تردی از آن دولت فداکار خدمتگزار ناشی شده که قران و قسم و شرافت دولت را زیر پا گذاشتند و آنها را روانه قفس قهر نمودند

بعد چه سبب شد که آنها را آزاد کردند و دوباره با دادن اسلحه و مهمات جنگی با آنها مجبور بپراچمت محل کردند.

و مقام سرهنگی و بخشداری دادند و حالا چه باعث شده که کله اشرار بر آنها اطلاق میشود ؟

واضح و روشن است که پشت میز نشینان می خواهند هشایر ایران چه کرد و چه غیره و غیره . . . هیئت آت اجرا نظریات شوم شخصی آنان باشند همینکه وجدان بآن

جریده شریقه تاور رو نوشت لیپهان رو نوشت رعد امروز رو نوشت نجات ایران رو نوشت کوهستان رو نوشت ستاره رو نوشت صدای ایران آینه خاطر معتمد هیئت دولت و کلاهی ملت و افراد جامعه ایران مستعشر است که در این چند ماه توقف توران راجع وحدت اسلامی و رفع اختلافات آنچه توصیه و تذکر لازم بود چه شفاها و چه بوسیله مقالات و نشریات و بیانه های چاپی بر عرض عموم رسانیدم و گوشزد کردم.

آنانکه فهم داشتند و واقف بمصالح مسلکی و دینی و مذهبی بودند و تابع وحدت را تشخیص داده بودند دعوت ما را استقبال کرده از کلمات وحدت شکن تشیع و تسنن و غیره . . . و غیره . . . کشته شد و رسول از آن کلمات بیزارند تیرا جت بباد آید و ان اربین عتاده الاسلام دومن یتبع غیر الاسلام دنیا فان یتولمنه وهو فی الاخرة من العاصرين» تصاحیح می فرمائید ما را استقبال فرموده و جزو (حزب اهل) شده اند.

و ما از خداوند متعال تائید ایشان را برادامه این وحدت و توسعه این جمعیت خواستاریم «الان حزب الله هم المؤمنون» اما بکس بازه اشخاص منصف ما چرا که بان خود را برادامه اختلاف و دست بندی و دکانداری میدانند و سعادت خودشان را در نادانی و نا فهمی جامعه تشخیص داده اند با انواع دسامی و تبلیغات و تکرار که با این مرام مندرس (یعنی وحدت اسلامی) و رجوع باصل مشترک مبارزه معاوضه کردند و رجوع باسلامیت را کفر و زندق معرفی نمودند و در برابر استدلال علمی و منطقی ما که همه جا آیات قرآنی و عبارات لاجع الی الله است همانطور که فریضه مغربی جهال است شروع بفتن و تکبیر نموده طاعت خودشان را بجای معرفی کردند و بالاخره خودشان را در پیشگاه خدا و رسول و امام اطهار و علوم دانشمندان جهان رسوا و خوار ساختند.

راجع بوحدت ملی کرد و پارس هم با دلایل تاریخی و موجدیات سیاسی همه جا بویژه در بنامه کوهستان روشن کردم که این دو گروه فرزند یک پدرند و مولود یک مادر و هر دو با هم برادر و همه درند.

بعضی از مامورین خیانتکار برای انحصار منافع شخصی و ترفیع رتبه و مقام با آنها معاملات خدشانه میکنند و حرکات پیرحمانه بخرج میدهند و آنها را از دولت مابوس و نامعید میسازند.

عریضه مخصوص چاپی هم پیشگاه ملوکانه و مجلس شورای ملی عرض نکردم

آقای مدیر محترم نامه کوهستان

متنی است شرح ذیل را در آن نامه کسرانی دوج

فرمایند .

آقای ابراهیم خواجه نوری در یکی از شماره های اخیر بازیکران عدد طلایی شرح نوشته و نسبت هائی به علی اکبرخان سردار مندر و حسین خان سالار ظاهر داده اند لیدانم بعضی ها وقتی قلم در دست میگیرند چرا راه راستی نمی بینند و اصراری دارند و تابع را غیر حق جاوه دهند و مطالب را برای دفاع از کسانی که منظور نظر دارند بشکل دیباچه میپوررانند.

آقای خواجه نوری خدمات علی اکبر خان و حسین خان سالار ظاهر خواتین طایفه سنجایی عالی بیش از اینهاست که تهمت های شما بتواند آنها را لکه دار کند.

اینکه از قول خانم مردان نوشته اند که عتابر شیوه و خشلشان غارت بود دیگر تیره نمی دانسته اند تعجب است لابد شیخ خزعل توانی پشتکوه و معصوم علیخان که به دارش کشیده اند تروت نداشته اند.

داودخان گلپهر که وقتی حرکت مینمود پشمار غره جلو او حرکت داده میشد .

لابد شما اطلاع ندارید که سردارهای سنجایی تا آخر جنگ بین الملل از چند هزار نفر ایرانی در منزل خود پذیرائی میبردند از شرق و غرب جنوب و شمال بدست امرای لشکره سرتیپها - سرهنگها ها و غیره غراب شده این همه پارتک و مغازه را این صاحب منصبان از کجا آورده اند اینها همه از تروت همین روسای عتابراست .

آقای خواجه نوری جدوجده شما هم در یزدانین حقایق بی وجهه است زیرا تمام مردم کم و بیش این چیزها را میدانند و نوشته های شما هر قدر هم شیرین باشد نمیتواند جای حقیقت تلخ را بگیرد.

فاسم سنجایی .

ها اجازه نداد آت بشوند فوج و اشرار معرفی میشوند و دولت را دچار زحمت و خسارت میکنند .

آیا کسانی که برای انجام نظریات خصوصی حکم کشتار برادران خود را صادر میکنند .

آیا کسانی که برای تامین منافع شخصی پادبکران خیانت بدولت و ملت میکنند .

آیا کسانی که با قرآن و قسم و قول شرف مردم را میفریضند و پند آنها را دچار هر گونه مسیبت و آزار مینمایند

آیا کسانی که برای ادامه اختلاف و دکانداری و برای حفظ اصول خمر سواری داعی وحدت اسلامی را تکفیر میکنند . و برای عوام فریبی دانشمندان و لیسانس های حقوق را کافر و زندیق میخوانند .

آیا بر اینها اطلاق کله اشرار و مفسد و عاجز او سزاوار تر است یا بر اشخاص خدمتگزار و فدائکار و پاکدامن که عملیات و پروژات آنها گواه صداقت و صمیمیت و پاکدامنی و خدمتگداری آنها است و همیشه خواهان نظام بوده اند و مدتها از روی غیبه معنی او امر دولت اندوخته جا از نظریات دولت استقبال کرده و می کنند ؟

بعدای رسا دولت و ملت را تذکر میدهم تا اینکه اشخاص خود خواه مصدرکار باشند و تا این قبیل استعمار یون دکاندار افسار جامعه را در دست دارند . انتظار مشروطیت و آزادی و دموکراسی در کشور ایران لاطول آرزوی دستکاری بی اصل و بیسورد است اول باید کشور ایران را از لوث اینگونه عناصر ارتجاع و منابع فساد پاک و جاروب کرد آنگاه به فکر مشروطیت و آزادی بود .

والا با این اوضاع مطمئن باشید دو جبین این کشتی نور دستکاری نیست با عطر از آن دور است پاکار تردی است (مجموعه قی سبیل اهل محمد مردوخ)

کلاگران نامه کوهستان با نهایت تأسف در گذشت مرحومه مغفوره حاجیه والیه اردلان را بمصوم خانزاده اردلان به سومین جناب آقای امن الله اردلان و آقایان رضایی اردلان - ناصرقلی اردلان و عباسی اردلان تسلیم میگوید .

واضح و روشن است که پشت میز نشینان می خواهند هشایر ایران چه کرد و چه غیره و غیره . . . هیئت آت اجرا نظریات شوم شخصی آنان باشند همینکه وجدان بآن

عریضه مخصوص چاپی هم پیشگاه ملوکانه و مجلس شورای ملی عرض نکردم

عریضه مخصوص چاپی هم پیشگاه ملوکانه و مجلس شورای ملی عرض نکردم

عریضه مخصوص چاپی هم پیشگاه ملوکانه و مجلس شورای ملی عرض نکردم

عریضه مخصوص چاپی هم پیشگاه ملوکانه و مجلس شورای ملی عرض نکردم

عریضه مخصوص چاپی هم پیشگاه ملوکانه و مجلس شورای ملی عرض نکردم

عریضه مخصوص چاپی هم پیشگاه ملوکانه و مجلس شورای ملی عرض نکردم

عریضه مخصوص چاپی هم پیشگاه ملوکانه و مجلس شورای ملی عرض نکردم

عریضه مخصوص چاپی هم پیشگاه ملوکانه و مجلس شورای ملی عرض نکردم

عریضه مخصوص چاپی هم پیشگاه ملوکانه و مجلس شورای ملی عرض نکردم

عریضه مخصوص چاپی هم پیشگاه ملوکانه و مجلس شورای ملی عرض نکردم

لم آقای محمد کاظم وکیل کردستانی

باز هم حقایق را بنویسید

در کردستان چه خبر است ؟

جنایاتی که بنام حفظ امنیت !! مرتکب میشوند !!

چرا کردستانهای مقیم تهران کاپو و جمعیتی

تشکیل نمیدهند

جناب آقای مدیر محترم روزنامه وزن بحق کوی کوهستان بهلت استماع انبهر اسفند در خصوص اوضاع کردستان و ویژه بیطالیه اعلامیه مشتمل بر ستاد ارتش در آنجا که تحت نظر شدید ترین احساسات انسانی و عواطف غریزین بشری که ملائمت پیوستگی نوادی آن را تشدید میسازد قرار گرفته ، پایگاه منظر روایت آن نامه گرامی مودم تشابه در میان اینهمه اخبار سر با دروغ که از مناسبت محسوس و مستوره های خاص منتشر میشود ما خوانندگان حلقه ای که اغلب در خصوص کردستان مسخ هم چون ترمز میرسانند آری بر آثار احساسات خود بیانشم و در این موقع خطر که بهلت دسبه های ناجوانردانه و سرور هیولانگ و خائن که عملیات حیانتکارانه خود در اندر زیر همت مبهتر و بیستی !! و ایجاد امنیت !! و حفظ مصالح عالی کشور !! منحنی و مستور میدارند و خواهران و برادران غافل و بیچاره ما را بدست یث فر دخیره سرو نادن و یا بهتر بگوئیم دیوانه که در آتش دهنوت خود خواهی میوزد و بنظور بر آوردن اغراض یلبد و عطا مع سوء گروهی خائن و از خدا بیخبر گلوله بچ میمانند و باهولناکترین سلاح ناربه بدون کوچکترین رحم و شفقت حتی بر سر زنان بیعوا و کودکان معصوم اورامان باران مرگ باریدن گرفته است .

بنظارت داشتیم شما که برای دفاع از حقوق حقه اکراد و شاساندن حقیقت احوال آنها بهم میبندان عزیز ظلم بدست گرفته و اصفافانگون از روی کمال بیطرفی و علاقه نام و تمام قدم برداشته اید آرام تشبیه و امیدوار بودم در این ساعات خطرناک و روز های تیره و تاریک که بدبختانه حتی افراد روشنفکر و بعضی از جرایم و مضطربان در فضاوت خود نسبت باکراد راه خرد را میبایستند جنابمالی آنطوریکه شایسته یک روزنامه نگار زده بود یک فرد میهن پرست و حساس است باخامه توانای خود مبارزه برداشته و با اشادات متین و صریح و تکرار پیشنهادات اساسی سابق تان چراغ راه همت حاکمه و جرایم میهن پرستان حینی باشید ولی ذمی ناسف و نسر که برخلاف انتظار از این روزنه امید نیز آنطوریکه باید و شاید اشته روشنی تاییده بود که هم میبندان عزیز و برای یل حقیقت رهبری نماید

جناب آقای مدیر محترم یقین دارم مشاهده شعله های آتش دویمت و فلانی که محس و ولع گروهی معلوم العزل آن را سر فروخته و فی العقبه هر فرد حساس و میهن پرستی را صباری و متفر میباید آنه بر محترم را نیز سخت آزوده و بیضا نفاظر ساخته است ولی اینکه جدا بحت در اطراف این موضوع و علت اللال آن پیرداشته اید نیدام آنرا چگونه تعبیر نمایم ؟ آیا خدای تعالی است از اصلاح اوضاع مایوس شده اید ؟

در این صورت این نود نیز جمعیت بزرگ است که برای اولین بار که یکی از افراد نجیب و تحصیل کرده کرد جهت بهبود اوضاع و مبارزه با غاصبن دامن همت بکمر زده مایوس شود و پروردی میدان مبارزه را ترک نماید .

چه پیشک در نزول روحیه جوانان کردستان بی اثر نخواهد بود ولی امید - وارم که این حدس بنده با حقیقت منطبق نبوده و مبارزه پرافتخار خود را کفایتی - الساق اذمه دهید .

و هیچگاه از تیرهای تهنیتی که اردستهای لرزان زده معلوم الحال بسوی شما بر آسب میشود نهر اسبد و از قضاوتهای بیحکامانه عده سانه لوح که اجبارا آت دست انحصاری از خود بیخبر تر میتواند رنجیده خاطر و مگدر نشوید و بهیچوجه از مبارزه بر انفعاری که در پیش گرفته اید دست نکشید و مطمئن باشید انشاء الله اگر همین روزه را نمیب کتیرد و خدایه متعال ملت ایران بیزه اهالی تشدیده - کردستان حامی و پشتیبان شاست بر شا هم از درج معایب تصور نفرمایید

ایه فقط ای اینکه هم میبندان عزیز ما زمانی که دست بگردستان اعمال شده و میشود مطمع ناشده و گرنه عدم توجه مشو این امور و تکرار آن لازم آن مدیر محترم یقینا ثابت شود که تا رستم صورتان بست های حساس را انتقال نوده و تا آن ساعت مقدس از لوت وجود آنها بک نشده است .

آنچه البته بیجائی ترسد فریاد است جناب آقای مدیر محترم در این روز هالی که دوباره کرد و کردستان را باقر و طغیان میباید انتظار داریم که ما تا کمال شهادت از روی حایق ده بردایند تا همیوه صبر میبندان عزیز و کلیه جهانیان واضح و مبهن شود که در آن روز ما بیکه برچیده آن ترک دمور کراس موهوم نشسته و بنظور دفاع از آزادی افراد بشر برای تبه و معاکه ناینگاران جنگ و کسانیکه شهرهای ناز بلاد دفاع دشمنان خود را بیباران نوده و زنان و طفلان معصوم آنها نیز رحم اکرده اند تعصبات شدید اتخاذ میباید تا به نوسله از وقوع جنایات دیگری مشاه آن در حال و استنبال جلوگیری نمایند و جناب سرتب هوشند ایشار فرمانده لشکر میهنی ظنرا اچار باغتر در قبال تلگرافات و نامه هالی که در آن جریبه شریبه درج گردید بقرا و قصاصی را که همکن زنان و اطفال معصوم و وطنان خود او است برای اظهار عظمت باقوای زمستی و هوایی و در حمله قرار میدهد و تناضای مکرر آنها را برای رسیدگی و احقاق حق قبول نمینماید

جناب آقای مدیر محترم در این - روز هالی که دوباره برادر کثرت کردستان راه افتاده است هشهری برای او جندت مقیم تهران هر یک توبه خود متاثر و متاسف اند و گذشته از این در سایر موارد نیز مشاهده میشود که صدمت نسبت بیک موضوع بخصوص متفق الای و هم عقیده اند ولی چرن هر یک شنوایی کاری از آنها ساخته نیست لذانشنا، اثری نمیتواند باشد آنها بهتر نیست شما که پیشرو علم دار اصلاح کردستان

شده اید در این مورد نیز قبول رحمت فرموده و دعوت فرمایید که تا کلیه هشهریهای محترم دور هم جمع شده و مانند سایر اهالی شهرستانهای دیگر مقیم تهران که هر کدام کلوبی برای خود دارند مانیز بدانها افتداه نوده و بنظور آشنائی بیشتری با همدیگر و تا آن اندازه که ممکن باشد سعی و مجاهدت در راه بهبود اوضاع کردستان جسمنی تشکیل دهیم تا گذشته از محسنت دیگر در موافق نظیر موقع کنونی عنایه و نظریات غیر خوامانه و آلابش خود را بنحروموزی بسع اولیای امور برسایم .

کوهستان - متاسفم از این که موافق مقاله فوق سارسید که صحت شماره قبل نامه کوهستان به تشدیده و اکر در شماره دو هفته قبل رسیم به اوضاع کردستان سکوت اختیار شده و در ازا من لحاظ بود که در این باره خود را معلوم بنده داشته و دیم یاسرو ناصدی هم در مواراد بنایه و در ۱۳۰۰ میخواستیم عکس اصل خراید ملی با نعت و اظهار کرده بدانییم آیا خبر از مهم خرایه دیگر خود نود و اصلاح طلبان از عرفای تعدی که برپاشده دفاع خواهند کرد .

یک هفته سکوت برای ما در این موقع باریک سار مشکل بود ولی باید شخص حق الصدور هر مشکلی را تحسلی کند شاید شماره گذشته تا حدی رفع اشتباه از نویسنده محترم نوده باشد .

هر کس مقاله فوق را بخواند قطعاً تحت نظر احساسات پاک نویسنده قرار خواهد گرفت . عباراتی که در مقاله فوق بر روی کاغذ آمده تراوش یک ناب حساس است - ساختگی نیست .

حقیقت است که غالب آن بیسان واقع است و پیشنهاد ایشان هم راجع به همکاری اکراد مقیم تهران بسیار جالب و پسنده است .

مدتهاست یکی از آرزو های ما ایجاد جمعیت بنظور رفع نام و رسم از مناطق کرد کشید و اصلاح اوضاع آن سامان است ما معتقدیم اگر جمعیتی فقط و فقط بر روی این هدف در رفع ظلم از مناطق کرد کشین و اصلاح اوضاع این مناطق بکرم هم آینه قطع است خواهند توانست خدمات شایسته ای بکنند .

ان این جمعیت باید متجاس باشد و تبعانشان هم باید علاوه کامل باین هدف باشد حال برای اینکه از این پیشنهاد نتیجه گرفته باشیم و آزمایش کنیم که آیا چنین مجلسی تشکیل خواهد شد یا نه بوجه همین سطود آنهاست و اکه ما مامم فکرنه دعوت می کنیم که در عرض هفته آتی بین ساعت ده صبح و ظهر یا بد فتر روز نامه مراجعه فرموده نام نویسی نمایند و یا اینکه کتبا و با بوسله تلفن تماسی ثبت نام نمایند .

بدین است پس از اینکه همه داوطلب معلوم شد طبق مقرراتی که برای تشکیل جمعیت ما موجود است رسالت کپل جمعیت با چنین اساس نامه و مرام نامه آن اعلام خواهد کردید

بلم آفای محمد دروغ (آباد کردستانی)

۲۴۰

کرد و کردستان

**

(سنه اردلان)

سپس در سال (۱۹۲۸) نیز حسین کنعان پاشا و عثمان پاشا از اولاد امیر بدر خان به تزیین آرزوهای ناتمام پدر بزرگوار اقدام برافراشته تا کنگران وارد الجزیره شدند و تمام ادارات دولتی را تصرف شده تنه استقلال را تجدید نمودند و مشغول با توای ترکیه جنگیده همه جا فتح و تصرف همان امین دو امیر بود. تا این سکه فتوحات ایشان به «جوله مرگ» مرکز «هکای» و زاغوه و همدانیه و مارادین و عذبات و ترمین امتداد یافت و برادر بزرگ امیر عثمان اعلان امارت نموده و خطبه بنام او خوانده شد، بالاخره شکست های بی دردی توای ترکیه و نوسه و نفوذ و اندک امیر عثمان در اطراف سلطان ترکیه را که امام عبدالحمید بود مضطرب نمود. ناچار از حاکم و جدال متصرف و صلاح چنان دانست که سیاست خود را با اگر اتمدیل نماید. اولین اقدامی که کرد کنگران در عثمان را که در حبس بودند آزاد نمود و بوسایل مضطرب از در استیانت امیرین درآمد. و ضنا هم و همداد که امارت کلیه کردستان را با ایشان از زانی دارد و اجازه داد که ایشان برای تیل این مرام با تایلندکان ترکیه مجلس مشاوره داشته باشند. تا بالاخره در یکی از مجالس مشاوره که عده ترکیه در آن مجلس بیشتر از کردها بوده اند و در خارج مجلس هم بوسایل موثری تهیه کرده اند هر دو امیر دستگیر می شوند. و مدتها در در حبس است تا باقی مانده تا تابشاعت شفا در آستانه تحت نظر شدند. پس در سال ۱۳۰۵ هجری شیخ عبیدالله در عقبه «شندیزان» قیام نمود و بار دیگر زمره استقلال کرد را تجدید کرد که در تحت قیومیت ترکیه امور کرد را اداره نماید طولی نکشید که توای شیخ با توای ایران تصادم پیدا کرد. در همان معادله (حزبه آقا) مقتول خود شیخ هم دستگیر و بدین منوره تجدید شد و در آنجا از داور دنیا در گذشت.

(حکام سنه اردلان)

اولا باید دانست که اردلان جمع فارسی آورد است. این سلسله منتهی بنیاد آردل میشوند که اورا «بابا آردل» نیز گنند. بابا آردل نوع حسرو بوده که در مرو تشکیل خانواده میدهد هنگام ظهور او مسلم خراسانی در مرو، قباد آردل در سال (۱۳۲۲) هجری در زمان سناح ابوالناس عبدالله عباسی با کنگران خود از مرو به حال کردستان مهاجرت میکنند و متدرجا شهرت و استیلا پیدا کرده حکمران موصول و بار بگریزند.

بهد طولی تکشیده معزول میشود و باجمعی از اتباع خود بجانب شهر زور میآید. تا در سال (۵۶۴) هجری سلسله بی اردل در نواحی شهر زور حکومت داشته اند و قلعه درام را برای مقر حکمرانی خود بنا کمال استحکام ساخته اند. و تمام اطراف و نواحی شهر زور را تحت سلطه و اقتدار خود در آورده اند و در آنکس هم که محل طایفه گلپور و گوران بوده اشیرا به تصرف اردلان در آمده و آنجا نیز قلعه مستحکم برای مرکز حکمرانی خود برپا نموده اند. و آثار آن قلعه و دروازه سنگی آن هنوز باقی است. مدت چهل و دو سال نیز در نواحی بلنگان با کمال اقتدار حکمرانی کرده اند و شاربازیر در شهر بازار که حالا سابقا به بیگوند مشرف ایشان در آمده و عباد بهرام متصرف شده اند.

(حکومت کلول یک اردلان)

در تاریخ ۶۰۶ هجری یک نام که از سلسله اردلان بوده مقام ریاست سلسله را احراز نموده و از هر طرف بر تصرفات اردلان افزوده و منتهی به سیاه کوه و زرین گمر (بخش گروس کنول) و قلمرو ملی شکرکراست. حالا «استفاد آید» میگویند تصرف خود در آورده است. شالانجان، جنوبا کرمانشاه و مستقر ارام متصرف بوده سابقا نیز هم با خضام سکوی و عبادیه و حریر و روانسز داخل حد غربی تصرفات کلول یک بوده است مدت ۲۳ با کمال قدرت و استقلال حکمرانی کرده و دارالیک کردستان را از قلعه «زام» قلعه «بانکن» انتقال داده است و پس از چندی از دیبا در میگردد.

(حکومت خضر یک اردلان)

پس از فوت کلول یک پسرش خضر یک در سال ۶۲۹ هجری برجای پدر نشست و مدت ۳۴ سال مستلا نهایت عدل و منانت کشور پروردار اداره کرد و در سال ۶۶۳ هجری عمر او با خرسیده است.

(حکومت الیاس یک اردلان)

پس از فوت خضر یک، پسرش الیاس یک در سال ۶۶۳ هجری برجای پدر نشست و مدت ۴۷ سال کردستان را مستلا با عدل و رافت اداره کرده است و بسبب وصف سخاو و مرجع ناس و عام و محل امید و مایا و برابا بوده است و در حکومت او با منیت و آسایش گذشت و در سال ۷۱۰ هجری در گذشت است.

پانچامه وزارت کشاورزی

تلفن ۴۷۸۷

شماره ۲۴

بستو نه له ایرانی فواجع کر اوه

جبهه شری دایر بوه حمله به رز اوه
سرباز خرب هانوه بیچاره له رینی دور
بر کوششی لا وانی وطن نقت کشاوه
سرباز چکر گوشه ی دایکی وطنی بر
سر گرمی شرم قوتی غه شای نواوه
مور امی هو صحنی مندل و عجان
بوجیان ده کوزن، چه بوه چه را بوجه کراوه
تکی زه اهدلی صنیر بی که سردا
هرمی که دهن خوبی بر او باه رز اوه
پاویان زولب خشت، ژن و دایک و گیم و خشتک
بی خاوس و سرودت نانی نانه آوه
رلن بو مکر کرتی ام قریه خرابه
وا کونته جولانه وه بم نوب و سیاوه
نار تچک و خیاره و هم توپ و مسلسل
بم ناک له کیو او طیاره له سیاوه
قصایی ملت نه بوشایسته دولت
معلومه به افعالی عدو امر در آوه
بیا شه هوری غه، بارانی سر شکه
دوبای یکی خونیم جم بوه غو تابه چاره
ام نفسی فداه چه هر کس که ده بینی
بو خونینی بر آگانی و کوبنی و آوه
«منهولنی» درانی چه برای لیک بیرون
خائن، که تبه کاره دری کین و براوه

از سنج

بلم آفای کاکر

«پاسخ رستاخیز ایران»

شام معتزله

فتابت گرچه زهر ناب دارد

گذر در چشمه نوشاب دارد
بسیار هم انکوش های شمار ۳۸ را معارضه کرده قلب نازکت
را آورده که نه نایم ولی باید گفت که خاندانها چون به اطراف کشور
رفته و زندگانی نواحی دور دست را مشاهده نکرده اند احساسات
آنها نایم است.

ای فرشته رحمت

آیا میدانید که اختلاف تزا و مذهب چگونه یک ملت زحمتکش
و ابر برنگاه ایستی سوق داده است؟

ای مظهر شایسته

اگر قدم رفیع فرموده با گوشه چشمی حال زار ستمه بدگان
این سامان را بنگرید همانا سبیل انک از دیده به دامان ریفت و بادست
توازش موافقت میفرمائید.

ای سرهای زندگانی

با وضعیت پریشان مرکز که همه روزه انکشتان نازنینت طرز
آشتت و درد های بیدرمان را در نامه کرامی منعکس مینمایند پس چرا
احساسات بنده را ملامت می کنید

ای آلهه عفت

انگهی پیش تو کفتم هم دل تمسیدم
که فل آورده شوی و در سخن بسیار است

بلم آقای جعفر جباری

« سرتیب هوشمند افشار دیکتاتور کردستان »

« کرد و سرباز هر دو برادرند »

این روزها از گوشه و کنار شایستهی دو اطراف نصابی کردستان (مریوان و اورامان) و لشکر کشی و برادر کشی از طرف سرتیب هوشمند افشار فرمانده شجاع و وطن پرست لشکر کردستان شنیده میشود و حتی چند اعلامیه نیز دایر بمبادیات نظامی در آن منطقه از طرف ستاد ارتش دیده شد متأسفانه بازم دستهای تپاکی در پس پرده خیمه شب بازی برای معروضه و اضلال بکطره حساس و شجاع و جوانمرد ایرانی (که بدبختانه یا خوشبختانه) گردنم دارد از آستین خارج و بکار آماده چنانچه میبینیم کاهی آنان را بخواستن استقلال مشتم و زمانی دزد اشرا را سرگردان بکیره نام برده وقتی عدم اطاعت از حکومت مرکزی محکومشان میشاید و اتفاقاً جای هزاران تاجف و بلکه حق ناشناسی صرف است که اینطور و باین کیفیت بکطره ایرانی پاک و اصل که افتعاری جز ایرانی بودن ندارند با این طرز سخت و خشونت آمیز رفتار می شود و بجای اینکه مرهمی بر جراحات انیام نابپذیرشان بگذارند با داس مرگ آنها را درو می کنند بکشند و قتل عام کنین ولی بدایتاً اگر از برادران ایرانی خود ناسرحد امکان دورنی شوند ولی شاید روزی برسد که ملت ایران انتقام شیدی از سرتیب هوشندها باز کند و زمامداران موقتی و چند روزه کشور ما هم بد بخانه بخواب سنگین و خراگوشی عجیبی فرو رفته و بانگش ناجوانمردانه بکژنرال وطن پرستانه که فطاططری جز نابودی و قتل این طینه ندارد موافقت و اردو کشی از طرف این شخص را مورد تصویب قرار داده اند زهی بدبختی ولی اهلای آگهی کسی حس وطن پرستی و شاه دوستی و ملت نوازی داشتند (انشاء الله تعالی) حقاً میبایستی بجای اینکه بدست سرتیب هوشنده افشار بیوان گلوله و رگبار مسلسل و غنبارهای مرگبار بر سر چند صد خانواده مظلوم و وارثان بخت ایرانی فروریزند و صدها اطفال بی گناه را بپیموزان رای شوهر و اولاد نماینده بیدردهای درونی و عراضی حقه شان توجه عاجلی میشوند به پینده سؤل کنین که این بیچارگان تیر و زور که جز توت خشک برای خوردنک بومیه و جز آسمان و زمین برای بالا پوش و زیر انداز نمانده هر کوله و سایل دیگر زندگی هستند چه دردی دارند و چه میخواهند آیا چه میشود اگر مثلاً به شکایات قابل توجه آنان رسیدگی نماید ؟ کرد باغی نیست و خود سر و خود مختار نیز بدینا نیامده و از یک زندگی امن و آمان نیز بدش نی آید منتها قاطعاً فتنه و فتنار و خود خواهی و کبر و غرور فرعونی چند نفر مامور و طیفه شناس و پول پرست باعث ایجاد و روشن شدن این آتش شده و می شود.

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۱۳۲۴/۳/۱۹ - باوقافه (حسن) بشناسنامه شماره ۵۸۵۱ باستاندیکتاتور (واهنیانه و رونوشته شناسنامه دادخواست شماره ۴۸۳/۱/۲۴ داده باینکه مرحوم صادق (حسن) دارنده شناس نامه شماره ۵۸۴۸ در تاریخ ۱۳۲۳/۱۱/۳ در تهران جایگاه هینگی خود وراثت یافته و متعلقه بانوان شوکت (صادق سلیمان) بشناسنامه شماره ۵۸۵۴ و منتری بشناسنامه شماره ۵۸۵۰ و زهرا حسینی بد شناسنامه شماره ۵۸۹۴ دختران و آقای حیدر حسینی بشناسنامه شماره ۵۸۵۲ پسر متوفی و وراثت منحصرش میباشد پس از شنیدن اواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماعی بیکار در روزنامه رسمی کشور شاعنتهای و روزنامه آهستان آگهی میشود باگذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولن آگهی و نبودن مترش بر حسب تماشا انعام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیت نامه از متوفی دارد در ظرف مدت مریور ابراز والا هر وصیت نامه شبراز رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

۳-۲ رئیس کل دادگاههای بخش تهران - امامی اهری

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۱۳۲۴/۲/۱۳ - آقای نور الدین عصار بسوگالت از طرف آقای رضا (ابراهیم خان) باستاندیکتاتور گواهینامه و رونوشته شناسنامه دادخواست شماره ۴۴۲/۱/۲۴ داده باینکه مرحوم حسن ابراهیم خان دارنده شناسنامه شماره ۸۰۹۹ در تاریخ دهم مهرماه ۱۳۲۳ در تهران جایگاه هینگی خود وراثت یافته و متعلقه بانایان حتی بشناسنامه شماره ۴۰۳۰۲ و علی بشناسنامه شماره ۴۰۳۰۰ پسران و بانوان خود رشید ابراهیم خان بشناسنامه شماره ۴۰۲۹۹ و صدیقه ابراهیم خان بشناسنامه شماره ۵۰۷ دختران و یک عیال دائمی بنام بنای عسرت ابراهیم خان بشناسنامه شماره ۸۱۰ غیر از ۸ نفر نامبرده ورت دیگری ندارد پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماعی بیکار در روزنامه رسمی کشور شاعنتهای و روزنامه کوهستان آگهی میشود باگذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن مترش بر حسب تماشا انعام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیت نامه از متوفی دارد در ظرف مدت مریور ابراز والا هر وصیت نامه شبراز رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

رئیس کل دادگاههای بخش تهران - امامی اهری

۳-۲

بهدید اگراد چگونه مردمان لایق و رشیدی هستند اگراد هر لغم ملیات تکین و خلاف السایت یک نفر مامور خود سرو دیکتاتور منش هیچوقت در روبه خود نسبت بسایران تئیری نخواهند داد من شخصاً تقیده دارم تمام کردهای دنیا ایرانی هستند آنچه رسد به اگراد که در فضای ایران چشم بدینا گشوده اند و در ایران چشم از دنیا فرومی بندند

آقای وزیر جنگ شما راضی نشوید منطقه کردستان فدای اغراض شخصی چند نفر مامور فرسوروز شما بشود و هر چه زودتر با استفاده از بست و موقیت خود و تشخیص مصالح عالی کشور فرمانده لشکر کردستان را احضار نماید مگر شما افسر ارشد ندارید ؟

آقای وزیر جنگ هر چه زودتر تصمیم بگیریید و الا این قتل و کشتار و خون ریزی بجایی که نقاب معروف کردستان شروع نموده نوسه بانگه و تقاضا زبان مای غیر قابل حیران در بر خواهد داشت من آنچه شرط بلاغ است با تو میگویم

تو خواه از سخنم پندگیری و خواه ملال

باری گفتنی و نوشتنی زیاد است هینقدر آقایان زمامداران و شای آقای نخست وزیر بجای اجازه صدور قتل و کشتار و برادر کشی آیا بهتر نبود چند نفر مامور درستکار و با زورسی نظری طبع که دوام است اگراد مریوان و اورامان بوسیله لشکرافات عدیده خواستار شده بودند برای آنان میفرستادید و برابیش ختنشان از نزدیک رسیدگی می نمودند آیا چنر نبود نادرستور میدادید مدارس برای تربیت اولاد و رهایای آنان تاسیس می نمودند پین داشته باشید هزینه ایجاد چندین باب مدرسه شبلی کمتر از یک هزارم هزینه لشکر کشی و قتل و کشتاری است که عملاً بریاشده اگر شما بتوانید عوامل موثر یعنی فرهنگ و بهداشت را مابین اگراد تسمیم دهید و مخصوصاً بوسیله مامورین درستکار و وظیفه شناس قنص صریح قانون را نیز برای همه بالسویه و یکسان اجرا کنید . بنیاً قول قطع می دهیم همسان اشخاص مطیع و فرمانبردار که سرتیب هوشنده افشار دزد سرکرده میدانند و از خود ایشان هزار بار متدن تر و وطن پرست تر هستند دیگر احتیاجی بخواهی نظامی و ارسال تانک و طیاره و برادران سرباز برای سرکشی نخواهند داشت اگر اوردان تواریخ را ورق بزیند بهتر خواهید

تفصیل وقایع کردستان

پیه از منجه ۲

دادند ستون از تعاملت اشرار را که کوههای ستور از جنگل و درخت بود بدست آورد و آنها با جمله مته به توانستند موفق پاستر داد شوند نیروی کردستان دورمیروان یک کردان پادگان داشت و محمود کانی سانلی هم خدمتکنار دولت و درجه سرهنگ قومی انفجاری داشت.

چون در این موقع منبعه کوه نیروی ابرام در ارتش از رواب درگیر شده از سرگیری آنها بخیال خود شده کرده و بیادگان مریون حله و میخواست افراد آنرا غلبه و روانه سیرم برآید باید ولی کردان از منجه شانرا آوردند مطیع شده با شجاعت و دلآوری بیانشی از خود دفاع کرده و بجای حلافت گرا در میگردید هنگامی که موضوع خیانت کانی سانلی معرز شد و پنهان اطلاع رسید ارتش معسب به اعزام کمک و سرکوبی اشرار کردید.

این اطلاع بعد از طهر روز پنجشنبه که مطربان بود در سیدوران فرور با ساعت ۱۰ آب آقای زنده وزیر جنگ و سرورث ناظم بر سر می که ستاد ارتش داد باعث گردید تا ساعت ۵ بعد از ظهر جمعه قندهای توپخانه از تهران بکردستان اعزام گردید و با آنها نیز صبح روز بعد در محل مسافحه کرد و اشرار و از مریوان متواری میشدند آنها به ارتفاعات مرزی پنهان شده بودند از قسمت کرمانشاهم کمک اعزام شده و این پنج و مریوان که مورد تهدید اشرار قرار گرفته بود بکلی از وجود آنها پاک میگردد. اکنون قوای دولت در خاک کردستان در نقاط مدن تبرک یانه ادر با ارمال اعلا به اشرار را دعوت بشلیب نموده اند و

نامه ها و تلگرافات وارده

از سقز

آقای حسن خلغی تانما نموده اند چند سوال از زانده امری کردستان بنامیم کوهستان - خوب است اول آقای حسن خلغی چگونگی موضوع هارا برای ما بنویسند تا پس از اینکه در آن مطالب روشن شدیم در صورتیکه قابل طرح بود بصورت سوال درج کنیم

از تهران

آقای نصرالله توکلی می نویسند: دو شماره گذشته ضمن نامه ها وارد شرحی سلیم رسولی نام از بنانه از اینجانب شکایت نموده بود چون اصلا در اینجانب شهرتی کسی نیست اظهارات او را نتوانیم میانه ام و آنرا از طرف مترجمین خود و بانضای جعلی میدانند.

در صورت عدم تسلیم اتهام بخلع سلاح آبان با اعمال فوه فیره و سایر رشده مطالبی که در خانه اخیر کردستان جلب توجه را میسر میاید یکی اینست که یک نیش تفنگ نیروی ارتش بدست اشرار یافتند و حتی یک افسر کشته شده است تلفات سربازان بسیار کم و تلفات اشرار زیاد و سنگین میباشد و این موضوع در اثر تعلیمات دینی است که سربازان داده شده و تحت هدایت افسران کار آزموده از وسایل لازمه استفاده کرده اند.

در این خانه اشرار عراقی بکسک اشرار کردستان آمده اند و یکی از روحای اشرار عراقی که مرود هدف گوله قرار گرفته و بیالیاس خودش کشته شده پاهمان لباس در تپه ای دفن گردیده است.

از تهران

آقای مدیر محترم نامه کوهستان - اینکه لایحه اینجانب را در شماره ۲۲ کوهستان درج فرموده اید متشکرم چون مفاد آن بعد از و هدایت برای خبر و صواب است زاید دیداتم اشتباهاتی را بحروف چین کرده است یادآور شوم محکم بعنوان تصحیح دستور طبع این مختصر را هم به فرماید -

در سطر سواد ستون اول بیست و سه قدرت گذشته غلط و بیست سال مدت نثر درست است - در سطر ۲۳ ستون دوم - وجهای فی الوجوه و افرا - غلطاً در غلط و صحیح آن - و جهانم الوجوه دامن ایدر عدت عمرش با اشتغال بکار و قدرتی که در کار خود داشته است آورده بلوت نشده باشد خواهد بود -

چون جان کلام در این قسمت است تذکر ثانوی آن ضروری نخواهد داشت البته همان طور که خاتمه حاصله درست مدام که کارشون نکند و شروع بکار نمایند و امتحانات حس اخلاقی و عملی ندهند که جامه آگاه کردند شهرت دوستی آنها بیش از یک انسان نخواهد بود -

اعتقاد و انکاه به با یکی دامن و معاسن اخلاقی اشخاص هم رفتی میسر و قابل تصدیق خواهد بود که یادداشتن کارهای مهم اهم از فضائی و ادارتی - قدرت کامل در زمان تصدی دانتش آورده بلوت شده باشد و حتی سوابق از بانوجه کامل اعلالش معرز و مسلم بوده باشد تا بتواند مورد اعتماد جامعه واقع گردد و وجودش برای جامعه مفید باشد - می محمد علی - مشیری

از سقز

نامه محبوب کوهستان در شماره ۱۹ صفحه ۷ تلگراف ملو از حقیقت و ناقص خود را دوام بسی متشکرم لکن مقاله که در پایان آن مرقوم شده جای گله مندی است چون تصدیق میفرمایید تلگراف نامم اینجانب و مقاله کوهستان نامم چنان می پروراند که اینجانب نسبت به تیسار سرلشکر یا سایر مامورین اظهاراتی ننموده یا بنامم استند غایبم من یکتفهم روحانی و مقام و احترامم بواسطه بیطرفی و پاس مالک درویشی در نظر صوم ملحوظ و معفوفا میباشد و هجرت و بیخوام خاطر کسی از من آزرده نمورد کتاب و تعداد کمی می کردم در این صورت خوامشندم که از معرف با وجدان و صحیح العملی شناسایی اشخاص را عذاب شویید در نتیجه این همه فعالیت که نسبت به ملت بدعت کرد می مردم اقدامات آن گرامی تا همی جهت موجب ما بوسی دوستان نگردد.

جلال الدین ششندی خاقانی کوهستان اظهار نظری که در ذیل تلگراف تبلی جناب شیخ جلال الدین ششندی شده بود مربوط به اطلاعات دیگری بود که از سر رسید بود و از این تمادف و شاید سوء تفاهم معذرت میخواهم

فرمانده کرد چون از هیچ ناحیه ای امید کمی و مساعدتی برای در یافت اسلحه و فیره نداشت صلاح نمیدید ارامی دیگری اشغال نمود و جبهه های وسیع جنگی باز کند.

میدانست که در مقابل توپ و پیاده و تانک و قوای منظم ترک بانفک آنهام تفنگی که باید فشنکش از دست دشمن تاسن گردد نوسه جنگ صلاح نیست زیرا میدانست نتیجه اش نداشتن زن و جبهه یکنگاه خرابی ملکو و بر باد رفتن ملت است - لذا مناسب آنرا دانسته بود که آواران او در دست نگاه داشته بوسیله دستهای جان بیزار کرد و در سایه فداکاری ملیون قوای دولتی و ادرواسی کردستان فرسوده سازد و بدین وسیله ناله های مظلومانه و غرم و اراده خلیل تا پذیر ملت کرد را در باره تحویل آزادی ملی و بشری خود بکوش عالیپان رسانیده نفوذ سیاسی و اقتصادی ترکیه را متزلزل کند.

این روش مورد موافقت هیئت مرکزی خوی بون هم واقع شده بود.

دولت ترکیه در اینجا نیز همان رویه پیشین خود را تعقیب مینماید از جنگهای بالکان (۱۹۱۲) که در نتیجه عدم توجه به تناقضات ملی آلبانی منجر به از دست رفتن روم ایللی شد و از خشونت با اعراب و احوال بیرحانه جمال پاشا و وزیر در یاداری سابق ششانی در دمشق و بدار آویختن روسای اعراب و ایام شریف حسین اعلی جدا الحضر پادشاه عراق در سکه و از دست دادن مرستان منتهی شده بود در قبال افکار و خیالات بان تورانیسم خود حاضر بوجود داشتن بنگ سد آریایی زیاد در سر راه آرمان ملی خود نبود.

بیکدیگر متصل میشدند هر سه را ایبه آفتابی که در بالای نوك خنجر قراو داشت غرق شماع خود مینمود.

در این زمان فرماندهی ترک رای از میان بردن شعس فرماندهی کرد به شیخ پیدالمانو متوسل شده بگمان خویش انه منات مغربانه میگردد برای انجام این ماموریت داو و سوزنرک بروی حسگی انتخاب شده بود. ترکها از میان رسوخ و ترک آراد در وجه ملت کرد خفا بودند تصور میگردد با پول زیاد و تطبیح ممکن است بکنفر آواران را و دار به غایت کرد. شاید میدانستند که گلبه ندا گرا تا اقدامات در این باب با اطلاع و دستور فرماندهی کرد انجام میگردد. در هر حال آفته مدتی دوام یافت ولی نتیجه ای گرفته نشد.

بهار آمده کوه آواران پاسیزی و غرمی و با گلهای و تگارتک آرایش یافت. این چهارمین بهار بود که این کوه تاریخی از سلطه اختیار دولت ترکیه خارج شده بود. فرزندان عبوره بهارهای آگری با آنها کاری بر جان بازی آنجا را کانون ملی و مرکز آزادی کرد ساخته پرچم سوزنرک کرد را بر فراش صیبا به سعادت میگردد. این کوه آتش باره های جنگ بران بود رامانند سنگهای آتین بدو خلقتش به نقاط مختلفه کردستان پراکنده شراره های انفجار آزادیش مقر استخوان حاکمیت بیگانه را می سوزانید هر گوشه ای از کردستان یک نقطه آتش بر می شده بود آتش میزد میبکشت می سوزانید و ناپید میبشید. آتش که دست های آتش نشانی مجبور را بدیناز خود کوه بکوه کشانیده عاقبت گرفتار شان ساخته طمه حریق مینمود.

کوهستان

يك پرده از يك نادر

پته از صفحه ۱

برای شما که يك عمر بلندی و زود کوفی عادت کرده اید - البته خیلی ناگوار است در مقابل خود کسانی را ببینید که فریادی کنند و مردم حق حیات ندارند شاید شما دیده‌تان این باشد در مقابل شما کسی حق حیات ندارد ولی نه، اینها همان گذشته و آنگاه فریاد کنید مردم باید پندار باشند، مردم باید حقوق قنونی خود بی‌سرنه شاید شما خیلی مایل باشید این مراسم حکومت و آدمی کتبی و ملی ما تا بتوانیم سرنوشت مملکت را تابع امیل شما و امثال شما - نخواهیم کرد

ما مردم را بیدار میکنیم ما با آنها خواهیم فهمید ایرانی باید از مزایای قانون ایران برخوردار گردد و همین سید هم باین که شما از امیل ما خوشوقت باشید یا نگران.

اگر امیل ما شما خوشوقت میکند شما را خادم وطن می دانیم و الا خان محض هستید.

آقای رئیس رکن ۲ ستاد ارتش شما فرموده اید همین معافلات بواسطه متنی با آنها رسانیده و بخش شده است. شما باین فرمایش خود ثابت فرموده اید که هنوز تفاوت بین روزنامه و شب نامه را ندانید، شاید شما روز و شب را هم از هم تشخیص ندهید!

آقای محترم روزنامه «معرف» نیست در اوراقی از کمال - مطالبی چاپ میشود و در دسترس عموم مردم قرار میگیرد و دست و دشمن، خردی و بیگانه نمیتواند آنرا بخرد و بخواند. شما اگر تصور فرموده اید رویه ای - که دوسر دست معمول فرموده اید که مردم بدون اجازه فرمانده پادگان آنجا حق خواندن روزانه ندارند - بتوانید در تمام مناطق کردنشین عمومیت دهید اشتباه فرموده اید!

خواننده روزنامه آزاد است مگر اینکه جناب عالی پیشنهاد بفرمایید قانونی بگذرانند که حمل و انکداری و خواندن روزنامه در نواحی کردنشین ممنوع و متعلقین از آن بهادگاه زمان چک تسلیم شوند. چطور برای ساکنین پایتخت شما اندن چنین روزنامه ای را (که ندانید و مورد مخالفت وجود مبارک (۱) نیست ولی برای مردمان دور افتاده از مرکز آنرا جرم، کفر و جنایت میدانید و می خواهید باگردنی شق و روق بفرمایید نوبسته آن جرمی مرتکب شده؛ شاید در فرهنگ شما دفاع از حقوق همه مردم کفر باشد ولی در آیین ما همین جور ندری است

شما از وسائل متنی دم زده اید لایذ منظور سرکار سرویس مریح السریست بوده که روزنامه عارا از تهران بستانج ۲۵ روزه میرساند. اگر این است وسیله متنی که بدان اشاره فرموده اید واقعا خیلی سخاوتمندید که با تمام گرفتاریهای روزانه (۱) این حق را برای افراد قائل شده اید که پس از تمامه از جریان اوضاع مرکز متعاضر باشند.

آقای رئیس رکن ۲ ستاد ارتش شما فرموده اید در مجلس به فرماتنه لشکر کردستان توهین شده ولی فراموش فرموده بودیند تاریخ را که به حضرت معظمه توهین وارد آمده تعیین فرمایید و به علاوه اظهار فرموده دیدید در قبیل چنین توهینی از طرف مقام عالی چه اقدامی برای اعاده حیثیت ایشان بعمل آمده است شاید اگر تاریخ آنچه را که با مطلع خودتان توهین مینامید اظهار میفرمودید عیار تبهی فرمایش خودتان (که دیگر شرانده اقدامی سرای رفع اختلاف بعمل آورد) را نکذایب فرموده بودید

آقای رئیس رکن ۲ ستاد ارتش ما خوب دریافته ایم که مقام در نزد بعضی ها بسیار عزیز است ولی در نزد بعضی دیگر مملکت عزیز تر است زیرا اگر مملکت نباشد مقام هم نیست.

توضیح

در مقاله ایکه راجع بوضیعت کردستان در شماره گذشته چاپ شده بود خنده ای تصور کرده اند که آن مقاله عینا از رکن دوم ستاد ارتش دریافت شده است. برای رفع سوء تفاهم توضیح میدهم که نظر با هیبت مسئله کردستان را از رکن آشنا ستانن نامه چگونگی این حادثه که مدت مدیدی بابت ناراحتی انکار نمود و بواسطه آسایش یک قسمت مهم کشور ما گردیده و اخیر خود در این رکن ۲ ستاد ارتش فرستاد بیودر نتیجه مذاکرات منتهی که با رئیس آن رکن بعمل آمده و اخیرا بواسطه مدارجه و استتباط نودم و نیاید آنرا بصورت يك اعلامیه

در این توضیح که ارتشهای بیگانه ایران را تحلیه میکنند و در این توضیح که ما دیگر آزادانه باید کشور خویش را اداره کنیم شایسته و صلاح نیست بیبوفه آتش جنگ بر پا نماییم و بیبوفه معارج هنگفتی سر خزانه دولت تحصیل کنیم وقت آن است که عموما حسینیه با هم بسوی يك هدف عالی، عظمت کشور پیش رویم اختلافات داخلی باید ایجاد نشود بجای تهیه زمینه نفاق باید دوستی و برادری ترویج گردد بجای خرابکاری باید در اصلاح و آبادی مجاهدت نمود.

سگت این مملکت ایرانی هستند و آزادی آنها این است که در ایران آباد و آبرومند زندگی کنند چه عیب دارد که برای نیل باین آرزو و آمال مشترک همگی از خود صمیمیت و خلیقت نشان دهیم آنها یک شوق خود را بعد پرستش دوست دارند آنها یک قانون مملکت خود را محترم بشمارند آنها یک در هیچ موضعی از بیگاری و فداکاری خودداری نمیکنند همیشه همیشه موفق در میان دیگر ملل دنیا سر بمانند و هر امایا به از دیگران سر مشق بگیریم

تلفی نبود

از شماره ۵۸۲۶ اطلاعات کوهستان در صورتی که صحیح باشد ما بر وز نامه اطلاعات هم معترضیم که چرا باید نگارش بر ادبانه خبرنگار خود را در سرعنا چاپ و از ذهن عمومی رانشوش نماید.

نامه زاندار عمری کردستان

آقای مدیر روزنامه کوهستان محظوظا صفحه شماره ۱۸ آن نامه که از اهتلال و رفتار ستوان ۱ فولادوند فرماتنه گروهان متعرج شکایت نموده است چون مسلما منقذ و روح فد آن جرمیده رفع نواصی اداری و معایب مأمورین دولتی در ستاج و از طرفی هم بشر بنید نیست که اشخاص روی انحراف شخصی اظهاراتی نموده و اخیر آن جرمیده را اغفال نموده باشند علیهذا خواهشمندم مقرر فرمائید اشخاصی که از او شکایت دارند باین هنگام معرفی که طبق مقررا اقدام گردودگر نه مأمورین دولت هم کما سایر اشخاص و بلکه بیشتر بایستی به حریتات و شئون خود علاقتند باشند.

فرمانده هنگ مستقل زاندار عمری کردستان - سرهنگ میرفکر رسکی کوهستان - در این هفته باز هم اظهارات ضد و نقیص راجع به ستوان ۱ فولادوند رسیده از آنجائی که اداره کل زاندار عمری از تاریخ انتشار نامه کوهستان نسبت ببندهجات آن توجه مخصوص داشته و اصلاح طلبانه بتذکرات حسینیه تربیت از داده و برای اینکه این شوق هم پیش از این وجه الصالحه موجب دست بندی باشد که عده ای موافق و عده ای مخالف اتصالا مکاتبه کنند تضاروت و رسیدگی را بعهده اداره کل زاندار عمری واگذار مینماییم انتظار داریم منصفانه تضاروت و اقدام نمانند.

آگهی

بانک ملی ایران برای اینکه تمام اهالی شهر بتوانند با سرعت و وقت مراجعات بانکی خود را انجام دهند علاوه بر شعبه مرکزی و شعبه بازار پارچه بانه در نقاط مختلف شهر باز کرده است.

این بنابه ها عملیات ذیل را مانند بانک مرکز انجام میدهند:

- ۱ - باز کردن حساب جاری.
- ۲ - باز کردن حساب پس انداز.
- ۳ - قبول برات عهده شهرستانها و تهران برای وصول.
- ۴ - صدور حواله پستی و تلگرافی عهده شعبه ها و نمایندگیها.

بانک ملی ایران در یکشنبه چهارده شهریور شب و نایبگی دارد بانک ملی ایران که يك بنگاه ملی ایرانی است کوشش میکند از هر جنبه وضایت مشتریان معترم خود را جاب بنابه و از آن جهت از عموم آنها تنبی میکند چنانچه مقتصر عدم رضایتی از عملیات بانک و یا سلوک کارمندان آن داشته باشند مراتب را فوراً بر رئیس شعبه و یا با اداره بازرسی کل در اداره مرکزی، خیابان فردوسی اطلاع دهند.

در تمام باجه ها و شعبه ها و نمایندگیهای بانک میتوان حساب پس انداز باز کرد.

منتهوق پس انداز ملی در هر سال بالغ عهده ای برسم جایزه بین دارندگان حساب تقسیم مینماید.

ش ۷۲۰

۲-۲